**بازنمایی فرهنگ و هویت ایرانی در کتاب اسیمیل (متد آموزش فارسی به فرانسوی‌زبانان)**

**La représentation de la culture et de l’identité iraniennes dans L’Assimile**

**(Le manuel d’apprentissage du persan pour les Francophones)**

**رحیم فهندژسعدی[[1]](#footnote-1)**

استادیار زبان فرانسه دانشگاه شیراز

**سارا سدیدی[[2]](#footnote-2)**

استادیار زبان فرانسه دانشگاه شیراز

چکیده

آشناسازی زبان آموزان با فرهنگ زبان مقصد به ویژه فرهنگ روزمره آن از دغدغه های همیشگی مولفین کتاب های آموزش زبان، مدرسین و پژوهشگران این حوزه بوده است. زبان فارسی نیز از این قاعده مستثنی نیست و نباید آموزش آن تنها به مباحث دستوری و واژگانی محدود شود. هدف از این پژوهش بررسی مصادیق فرهنگ ایرانی در کتاب اسیمیل (2003) [[3]](#footnote-3)است. این پژوهش به لحاظ ماهیت در دسته پژوهشهای بنیادین و به لحاظ روش در گروه پژوهش های توصیفی قرار می گیرد. همچنین بررسی مولفه های فرهنگی در این مقاله براساس چارچوب مرجع اروپایی [[4]](#footnote-4)(2001) صورت پذیرفته است. نتایج یافته ها نشان داد که از بین میان مولفه های فرهنگی‌اجتماعی استخراج شده از کتاب اسیمیل بیشترین سهم را مولفه شماره 4 یعنی ارزش ها، باورها و رفتارها با 33.9% به خود اختصاص داده است. پژوهش حاضر نشان داد که در کتاب اسیمیل در وهله نخست بر ارائه و آموزش زبان، واژگان و ساختارهای زبانی تمرکز شده و در عین حال مقولات فرهنگی نیز فراموش نشده و از خلال این موارد به برخی مولفه های فرهنگی نیز پرداخته شده است.

**کلیدواژه ها**: زبان فارسی، فرهنگ ایرانی، هویت ایرانی، مولفه های فرهنگی‌اجتماعی، چارچوب مرجع اروپایی

**1= مقدمه**

در رویکردهای نوین آموزشی، علیرغم گذشته آموزش زبان تنها به دستور، ساختارها، واژگان و اصول زبانشناختی محدود نمی شود. امروزه تلاش کتابهای آموزش زبان بیشتر بر آن است تا از خلال آموزش اصول و قواعد دستوری، واژگان و ساختارها، زبان آموز فرهنگ گویشوران زبان مقصد را نیز آموخته و با آن آشنا شود. ذکر این نکته ضروری است که در این رویکردها آموزش فرهنگ تنها به ارائه ی اطلاعات ادبی، تاریخی، آداب و رسوم و جشن ها محدود نمی شود بلکه اصول فرهنگ\_جامعه شناختی[[5]](#footnote-5) نیز مورد توجه قرار می گیرد. از این رو آشناسازی زبان آموزان با فرهنگ زبان مقصد به ویژه فرهنگ روزمره آن از دغدغه های همیشگی مولفین کتاب های آموزش زبان، مدرسان و پژوهشگران این حوزه محسوب می شود. زبان فارسی نیز از این قاعده مستثنی نیست و نباید در آموزش آن تنها به مباحث دستوری و واژگانی بسنده کرد. پژوهش حاضر با محوریت ارتباط فرهنگ و هویت ایرانی و آموزش زبان فارسی به فرانسوی زبانان انجام گرفته است. هدف از این پژوهش بررسی مصادیق فرهنگ و هویت ایرانی در کتابهای آموزش زبان فارسی برای فرانسوی زبانان است و در این راستا یکی از متدهای مطرح آموزش زبان فارسی به فرانسوی زبانان یعنی کتاب اسیمیل (2003) را مورد بررسی قرار می دهد. پرسش های پیش رو در این پژوهش شامل این موارد است: در وهله نخست آیا در کتاب اسیمیل مولفان تلاشی برای انتقال فرهنگ و هویت فارسی زبانان از خلال زبان کرده اند؟ اگر این انتقال صورت گرفته چگونه و از چه طریقی است؟ و همچنین آیا مولفه های فرهنگی مورد اشاره در این کتاب با استانداردهای فرهنگی چارچوب مرجع اروپایی انطباق دارد یا خیر؟ در این پژوهش فرض بر آن است که در این کتاب انتقال عناصر فرهنگی و هویتی تنها محدود به ذکر نام چند شهر، چند هنرمند، برخی غذاها و اشاره به تعداد محدودی آداب و رسوم است. این در حالی است که آموزش فرهنگ و انتقال هویت سطح وسیعی از مولفه ها و عناصر را در بر می گیرد که نادیده انگاشتن هر یک از آنها موجب نقصان در فرآیند آموزش می شود.

**2- پیشینه پژوهش**

علیرغم اهمیت آموزش فرهنگ زبان مقصد در آموزش زبان پژوهشگران در مقاله حاضر پس از بررسی های خود به پژوهش های اندکی در زمینه آموزش فرهنگ و هویت ایرانی از خلال آموزش زبان فارسی دست یافته اند. در این میان نیز پژوهشی که مشخصا به آموزش فرهنگ ایرانی در متدهای نوشته شده برای فرانسوی زبانان بپردازد وجود ندارد.

 با این حال با جستجو در منابع موجود می توان پژوهش ها را در سه دسته کلی جای داد؛ نخست پژوهش هایی که مشخصا آموزش فرهنگ ایرانی را از خلال متدهای آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان مورد بررسی قرار می دهند. این پژوهش ها که به لحاظ موضوع و ماهیت مرتبط ترین مطالعات انجام شده به پژوهش حاضر هستند این موارد را شامل می شوند. برقعی و نگینی (۱۴۰۰) در پژوهش خود به بررسی بازتاب وجوه فرهنگ ایرانی در مجموعه کتاب های مینا و فارسی بیاموزیم و پرفا پرداخته اند، در این پژوهش آنها دست به مقایسه این مجموعه ها به لحاظ میزان پرداختن به این وجوه فرهنگی زده اند. آنها پیکره ای از داده های مستخرج از این کتابها ایجاد کرده و سپس داده ها را با استفاده از چک لیست بایرام (۱۹۹۳) در هشت دسته کلی جای دادند. در نهایت مشخص شد که کلیشه ها و هویت فرهنگی بیش از دیگر وجوه فرهنگی در این کتابها بازتاب یافته است. نتایج یافته ها نیز نشان داد که محتوای آموزشی کتاب های فارسی بیاموزیم آمیختگی بیشتری با وجوه مختلف فرهنگ ایرانی داشته است و همچنین در این کتابها به عناصر فرهنگ سطحی بیشتر پرداخته شده است. رئیسی مبارکه (1395) پیرامون اهمیت تدریس فرهنگ در زبان آموزی و چالشهای انتقال نادرست آن در کتاب آموزش زبان فارسی به انگلیسی زبانان می پردازد و به این منظور تعداد 13 کتاب آموزش زبان فارسی برای انگلیسی زبانان را به لحاظ فرهنگی و به ویژه کلیشه مورد بررسی قرار می دهد. رئیسی مبارکه (همان) در می یابد که در این کتاب ها خلقیات ناپسندی به ایرانیان نسبت داده شده است از همین روی به ارائه ی راهکارهایی برای انتقال صحیح فرهنگ و پرهیز از فرهنگ ستیزی می پردازد. نتیجه حاصل از این پژوهش آنست که در روند آموزش زبان خارجی باید دقت شود که واکنش فرهنگی تحسین فرهنگ بیگانه و تحقیر فرهنگ خودی بر ضمیر ناخودآگاه زبان آموزان چیره نشود. همچنین یک کتاب آموزشی باید توانایی برطرف کردن سوء تفاهم های برآمده از برخورد فرهنگ ها را به زبان آموز ارائه دهد و ارتباط را بدون حساسیت فرهنگی بهبود بخشد. میر دهقان و طاهرلو (۱۳۹۰) در پژوهش خود تاثیر فرهنگ ایرانی در آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان را مورد مطالعه قرار می دهد . در این پژوهش از یک جامعه آماری ۵۰ نفره آزمونی گرفتند تا متوجه شوند کدام یک از جاذبه های فهنگی ایران برای آنها جذابتر است. در نهایت به این نتیجه رسیدند که تمدن کهن ایرانی و تاریخ ایران برای زبان آموزان خارجی بیشترین جذابیت را دارد.

صفارمقدم و رستم بیگ تفرشی (۱۳۹۳) در پژوهش خود بررسی و امکان سنجی کاربرد فیلم سینمایی به عنوان منبعی برای تهیه و تدوین مواد درسی در دوره های آزاد آزوفا یا آموزش زبان و فرهنگ ایران و غیر فارسی زبانان، پرداخته اند. در این پژوهش تلاش بر آن بوده است که چگونه می توان بر مبنای یک فیلم سینمایی ایرانی درسنامه ای تدوین و از خلال آن به آموزش نکات فرهنگی پرداخت. این پژوهش به طور خاص توانش فرهنگی و بینا فرهنگی را مورد بررسی قرار می دهد. نتایج نشان داد که فیلم سینمایی به درستی میتواند منبع غنی برای آموزش کارآمد زبان فارسی و فرهنگ ایرانی به غیر فارسی زبانان باشد. همچنین سیاوشی (۱۳۹۰) نیز در مقاله خود اهمیت و چگونگی آموزش نکات فرهنگی در کلاس آموزش زبان فارسی را مورد بررسی قرار داده و در کنار ذکر مزایای این شیوه در بهبود مهارت ارتباطی غیرفارسی زبانان، چالش های پیش رو در این شیوه را نیز مورد مطالعه قرار می دهد.

دسته ای از پژوهش ها در زمینه فرهنگ و آموزش زبان انگلیسی و یا سایر زبانها انجام شده اند که برای نمونه می توان به این موارد اشاره کرد: کرمش و معینی میبدی (۱۴۰۰) مزایای استفاده از رویکرد میان گفتاری به جای رویکرد بین فرهنگی را برای آموزش توانش ارتباطی در زبان‌آموزان انگلیسی مورد بررسی قرار می دهند این مقاله به بحث درباره این امکان که زبان آموزان انگلیسی بتوانند در عین وفاداری به میراث فرهنگی خود از راه چندین سامانه گفتاری به گفتگو بپردازند می پردازد. نتایج حاصل نشان داد مادامی که زبان تنها به عنوان یک مهارت تلقی شود هرچند که این مهارت مرتبط با نگرش و باورهای بین فرهنگی به شمار رود ارتباط فرهنگی میسر نمیشود. در ادامه آنها پیشنهاد می ذهند که بهتر است زبان را به مثابه یک گفتمان آموزش داد تا توانش فرهنگی و در نهایت توانش ارتباطی زبان آموزان بهبود یابند. کوتلاکی و سعیدی (۱۳۹۵) معتقدند که در جهانی که تعداد افراد انگلیسی زبان غیر بومی از تعداد انگلیسی زبان های بومی بیشتر است آموزش فرهنگ باید اهداف خود را گسترش دهد و در کنار آن به کمک به زبان آموز برای ایجاد آگاهی و درک مثبت نسبت به زبان هدف بیاید. این پژوهش با توجه به مفهوم وجهه و قواعد احترام در فارسی توانش ارتباطی فارسی آموزان را یا رویکردی منظورشناختی مورد بررسی قرار می دهند.

دسته ای دیگر از پژوهش ها مواردی را شامل می شوند که به طور کلی به بحث آموزش زبان توامان با فرهنگ پرداخته و مزایا، اصول و راهکارهایی برای ارائه بهتر این شیوه پیشنهاد می دهد. برای نمونه رضوی (۱۳۹۲) در پژوهش خود به رابطه زبان و آموزش آن با رویکرد فرهنگی پرداخته است. وی معتقد است که آموزش زبان و به ویژه زبان دوم و فرهنگ دو مقوله ی تفکیک ناپذیرند و رابطه عمیقی با یکدیگر دارند. همچنین می افزاید که در آموزش زبان دوم خواسته یا ناخواسته فرهنگ مربوط به آن زبان نیز آموزش داده می شود چرا که مطالب مورد استفاده برای آموزش یک زبان به طور طبیعی آکنده از مفاهیم ارزشها و مفروضات مربوط به آن زبان است. همچنین سبکتکین و خسروجردی (۱۳۹۲) با این دیدگاه که زبان اصولا مقوله ای فرهنگ محور است به بررسی رابطه بین زبان و فرهنگ و مزایای استفاده از این رویکرد در رفع مشکلات ارتباطی زبان آموزان پرداخته است. سبکتکین و خسروجردی (همان) معتقدند که مفهوم مدل یادگیری فرهنگی تعبیر و تفسیر فرهنگ در هسته آموزش زبان به معنای آن است که فرد به عنوان یادگیرنده فرهنگی آماده می شود تا برای کشف و هر تعریفی به بافت فرهنگی آن متصل شود زیرا زبان و الگوهای فرهنگی در طول زمان و موقعیت ها تغییر می کنند. تعدد رسوم و فرهنگ ها و مشکلات ارتباطی موجود در ساختارهای زبان نشان دهنده تاثیر تنوع فرهنگی و جغرافیایی هر منطقه در زبان است. حقانی و نژادمعصوم (۱۳۸۵) از توانایی بینا فرهنگی با عنوان مهارت پنجم یاد کرده و بر اهمیت ویژه آن در فرایند یادگیری زبان خارجی تاکید می کند. این پژوهش در زمینه زبان آلمانی انجام شده است. پژوهشگران می کوشند ضمن ارائه دیدگاهی کلی نسبت به مقوله فرهنگ در جامعه در آموزش زبان زوایای متفاوت آن را در دو بستر کلاسیک و دیجیتال مورد بررسی قرار دهد. آنها دریافتند که پرداختن به مقولات فرهنگ بیگانه و مقایسه آن با فرهنگ خودی از سوی زبان آموزان می تواند دید آنها را نسبت به فرهنگ بیگانه ارتقا دهد و همچنین باعث افزایش حساسیت انها نسبت به ویژگی های فردی و فرهنگ بومی شود.

تا آنجا که بررسی های پژوهشگران مقاله حاضر پس از مرور مطالعات پیشین نشان می دهد، تا بحال پژوهشی که در وهله نخست به طور خاص به بررسی مولفه های فرهنگی و هویتی ایرانی در متدهای آموزش فارسی تالیف شده برای فرانسوی زبانان بپردازد، انجام نیافته و لزوم چنین پژوهش هایی برای بهبود آثار تالیفی به منظور شناساندن هویت و فرهنگ ایرانی به فرانسوی زبانان احساس می شود. از سویی دیگر با توجه به بهره گیری این پژوهش از مولفه های فرهنگی ذکر شده در چارچوب مرجع اروپایی، این پژوهش به خصوص می تواند در این زمینه نخستین گام در بهره گیری از این چارچوب به عنوان ملاکی برای ارزیابی فرهنگی متدهای آموزش زبان و به خصوص زبان فارسی به غیرفارسی زبانان محسوب شود.

**3- تعاریف و مفاهیم**

آشنایی جوامع و کشورهای مختلف با یکدیگر در گذشته و در طول تاریخ بیشتر نتیجه کشورگشایی ها و مراودات تجاری، نظامی و سیاسی بوده است. به ویژه آشنایی مردمان غرب و شرق در طول تاریخ محصول چنین پدیده هایی است. فروزش و برزگر (۱۳۹۹: 78) می نویسد: « گسترش ارتباطات از سویی و برخوردهای سیاسی نظامی میان جوامع از طرف دیگر موجب تبادل دانسته های فرهنگی کشورهای شرقی و غربی شده است». از دیگر عواملی که منجر به آشنایی مردمان جوامع مختلف می شد، سفرنامه هایی بود که به ویژه غربیان پس از سفر به کشورهای شرقی به رشته ی تحریر در می آوردند. فروزش و برزگر (همان) نقش سفرنامه ها را به ویژه در آشنایی اروپاییان با فرهنگ ایرانی و ایرانیان بسیار بارز می داند. به عقیده آنها انتشار سفرنامه های فرانسویان درباره ایران باعث گردید که روشنفکران فرانسه بهتر و بیشتر با فرهنگ مردم ایران آشنا گردند و در حال حاضر نیز همین کتاب ها جز بهترین منابع و ماخذ جهان ایران شناسی محسوب می شوند.

**1-3- تعاریف فرهنگ**

به منظور درک بهتر مفاهیم موجود در این پژوهش در ابتدا بایستی تعریفی دقیق از مفهوم فرهنگ ارائه داده شود. تعاریف گوناگونی پیرامون فرهنگ وجود دارد که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

«فرهنگ در واقع بخش درهم‌تنیده ای از کنش های متقابل زبان و اندیشه است». (رضوی، 1392: 11)

«هویت فرهنگی عبارت است از جامعه انسانی پایدار که دارای زبان مشترک، سرزمین مشترک و زندگی اقتصادی مشترک و در نهایت ساختار روانی مشترک هستند». (بوئه[[6]](#footnote-6)، 1987)

فرهنگ مجموعه الگوها یا هنجارهای رفتاری است که از طریق یادگیری از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد. (توسلی، 1382)

ریچاردز[[7]](#footnote-7) (1992) فرهنگ را مجموعه باورها و آداب رفتاری و عادات اجتماعی یک جامعه توصیف می کند.

وجه اشتراک تمامی تعاریف ارائه شده پیرامون فرهنگ، مشترک بودن الگوهاست. بنابراین می توان گفت که فرهنگ و یا هویت فرهنگی، در حقیقت نقاط مشترک مردمان یک سرزمین به لحاظ زبانی، تاریخی، عقیدتی، روانی، جغرافیایی و ... است. ذکر این نکته ضروری است که در مقاله حاضر از فرهنگ به عنوان یکی از اجزاء اصلی هویت یک ملت بحث می شود.

**2-3- رابطه فرهنگ و زبان**

با توجه به تعاریفی که از فرهنگ ارائه گردید، زبان می تواند به عنوان یکی از اشتراکات ملت ها از فرهنگ اثر پذیرفته و یا بر آن تاثیر بگذارد. رابطه دو سویه زبان و فرهنگ سبب گردیده است که محققان این دو مقوله را اصولا تفکیک ناپذیر قلمداد کنند (گلیسون[[8]](#footnote-8)، 1991) . نوستراد[[9]](#footnote-9) (۱۹۶۹) به نقل از رضوی (1392) زبان را وابسته به فرهنگ می داند و معتقد است که بدون توجه به روابط اجتماعی یک جامعه زمانی که با زبان صورت می پذیرد و نیز بدون توجه به فرهنگ جامعه که زبان بخشی از آن است درک مفاهیم زبان امکان پذیر نیست. رضوی (همان) معتقد است که الگوهی فرهنگی شناخت و رسومات گاهی أوقات به صراحت در زبان بیان شده است و زبان به عنوان یک پدیده اجتماعی همانطور که در جامعه شناسی زبان[[10]](#footnote-10) از آن یاد می شود، به میزان بسیار زیادی حاوی عناصر فرهنگی است. چگونه می توان جامعه را به طور کامل بررسی کرد بدون آنکه زبان را در جامعه مورد مطالعه قرار داد چراکه زبان پدیده ای قائم به فرد نیست بلکه نظامی است که آن را جامعه و زندگی اجتماعی به انسان تحمیل کرده است و نقطه اتصال و ارتباط زبان و فرهنگ از همین ناشی می شود. سبکتکین و خسروجردی (1392: 58) نیز بر این باورند که « زبان وسیله ای برای انتقال فرهنگ می باشد و در عین حال هیچ زبانی بدون فرهنگ موجودیت ندارد توانایی یک فرد در یادگیری زبان به میزان زیادی به سطح فهم تسلط او بر فرهنگ بستگی دارد ». فیشمن و گرتنر [[11]](#footnote-11)(1992) به نقل از برقعی و نگینی (1400) نیز بر این باورند که زبان بخشی جدایی ناپذیر از فرهنگ است و عنصری است که وجوه هویت فرهنگ و اجتماعی زبان آور آن را منعکس میکند. از نگاهی دیگر زبان نمایه فرهنگ است و بستر اندیشیدن و امکان کدگذاری باورها و ارزش ها را فراهم می کند. این همان رابطه دو سویه ی میان زبان و فرهنگ است که مطالعه هر یک را بدون در نظرگرفتن دیگری غیر ممکن ویا حداقل ناقص می سازد.

**3-3- فرهنگ و آموزش زبان**

با توجه به رابطه دو سویه زبان و فرهنگ می توان گفت فرهنگ زبان مقصد و آموزش آن زبان، دو مقوله جدایی ناپذیرند. با توجه به آنکه زبان حاوی عناصر فرهنگی است و عناصر فرهنگی نیز خود به زبان شکل می دهند، توجه به انتقال مفاهیم و مولفه های فرهنگی از خلال زبان می تواند منجر به یادگیری بهتر آن زبان شود. بنابراین « بدون آشنایی با فرهنگی که زبان در آن کاربرد دارد یادگیری واجد موفقیت نیست». (رضوی، 1392: 20) چنین باوری در میان پژوهشگران به ویژه پس از آشکار شدن ناکارآمدی شیوه های دستورمحور در آموزش زبان مورد اقبال قرار گرفت.

علیرغم این رابطه دو سویه و اهمیت این موضوع مدت زمان زیادی نگذشته است که پژوهشگران امر آموزش متوجه اهمیت فرهنگ در آموزش زبان شده اند. در حقیقت پژوهشگران «از سالهای ۱۹۸۰ به بعد توجه به بافت آموزشی و همچنین بافت فرهنگی یادگیرنده را مد نظر خود قرار دادند». (سبکتکین و خسروجردی ، ۱۳۹۲: 70) به هر روی پژوهشگران دریافتند که واژگان و عبارتهای زبانی از مفاهیم فرهنگی تهی نبوده و خالی از دلالت های هویتی و فرهنگی نیستند. بنابراین در حین آموزش زبان برای ایجاد یادگیری عمیق تر در زبان آموز بایستی به انتقال این دلالت ها و مفاهیم فرهنگی نیز توجه کرد. در این باره همچنین رضوی (همان) بر این باور است که در این دیدگاه یادگیری یک زبان جدید به فراگیری دستور زبان و واژگان و نظام آوایی آن زبان محدود نمی شود بلکه یادگیری زبان جدید به تلاش برای مشارکت اجتماعی در فرهنگ جدید تبدیل شده است یعنی راهبردهای اجتماعی در زبان آموزی اهمیت دارد. بئاکو (2000: 17) نیز می نویسد: «یادگیری یک زبان خارجی به عنوان یک مکانیسم در بردارنده ی گروهی از مقولات اجتماعی و فرهنگی است، بنابراین یادگیری یک زبان خارجی همیشه با یک مقوله فرهنگی همراه است» در نهایت ظهور چنین دیدگاهی در آموزش زبان باعث به وجود آمدن اصطلاح مهارت پنجم یا مهارت بینافرهنگی[[12]](#footnote-12) در کنار چهار مهارت خوانداری، نوشتاری، شنیداری و گفتاری گردید.

با همه آنچه که گفته شد شاید بتوان گفت که هدف غایی آموزش زبان با توجه به فرهنگ، ایجاد نوعی توانش ارتباطی[[13]](#footnote-13) در بین زبان اموزان باشد. در این باره لالمان و پی یره [[14]](#footnote-14)(2007) در بحث از چندزبانگی می افزایند شخص چندزبانه این زبانها و فرهنگ ها را در محفظه های جداگانه طبقه بندی نمی کند بلکه از مجموع این زبانها و فرهنگ های به هم آمیخته شده به نوعی توانش ارتباطی دست می یابد. بنظر می رسد این همان چیزی است که پیش از این از آن با عنوان توانش بینافرهنگی یاد شد.

در ادامه باید مشخص کرد که منظور از فرهنگ در آموزش زبان کدام گونه آن است. گلیسون و پوورن [[15]](#footnote-15)(1999) فرهنگ را به دو دسته کلی **فرهنگ رایج (روزمره)**[[16]](#footnote-16) و **فرهنگ ادبی**[[17]](#footnote-17)، دسته بندی می کنند و می افزایند که در آموزش زبان باید تکیه بیشتری بر فرهنگ روزمره باشد تا فرهنگ ادبی. در این پژوهش نیز آن چه که بیش از همه برای پژوهشگران اهمیت دارد، بررسی مصادیق همین گونه فرهنگ روزمره است.

**4- روش شناسی**

پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت در دسته پژوهش های بنیادین جای می گیرد و به شیوه کتابخانه ای، توصیفی با رویکردی کیفی انجام پذیرفته است. همچنین تحلیل داده های حاصل شده براساس مولفه های فرهنگی ذکر شده در چارچوب مرجع اروپایی صورت گرفته است. ماده پژوهش حاضر متد آموزش زبان فارسی اسیمیل نسخه تالیف یافته مخصوص فرانسوی زبانان می باشد. زبان واسط این متد فرانسوی است. در مقدمه این کتاب مشخصا به سطح زبانی (مقدماتی، میانی یا پیشرفته) اشاره دقیقی نشده است اما ذکر شده که در پایان دوره آموزشی این کتاب زبان آموزان می توانند تمامی گونه های زبانی اعم از ادبی، دوستانه، رسانه ای، داستانهای آموزشی، شعر و غیره را مورد استفاده خود قرار دهند. علت انتخاب این کتاب آن است که این مجموعه از آنجایی که برای آموزش زبان های مختلف دنیا به صورت خودآموز با زبانهای واسط متفاوت تالیف یافته از شهرت بسیار زیادی در جهان برخوردار است. از همین روی این متد به عنوان یکی از منابع برجسته آموزش زبان فارسی به فرانسویان قلمداد می شود.

به منظور انجام پژوهش حاضر ابتدا با بررسی درس به درس کتاب، مصادیق و عناصری که ناظر بر آموزش فرهنگ و هویت ایرانی هستند از متن استخراج شده و به صورت یک فهرست ثبت شده اند. سپس این عناصر و مصادیق هر یک براساس مولفه های فرهنگی ارائه شده در چارچوب مرجع اروپایی مورد بررسی و دسته بندی قرار گرفته اند. هدف از این دسته بندی آن است که بتوان دریافت آیا این مصادیق با تمامی مولفه های فرهنگی‌اجتماعی چارچوب استاندارد اروپایی مطابقت دارد یا خیر و یا سهم کدام مولفه بیشتر یا کمتر است. در ادامه جدول مولفه های فرهنگی ای که از دیدگاه چارچوب مرجع اروپایی(2001: 83) برای هر کتاب آموزش زبانی ضرورت دارد ارائه می شود. همچنین در صورت مطابقت تعداد موارد تکرار هر مولفه فرهنگی‌اجتماعی نیز ثبت می شود. لازم به ذکر است که چارچوب مرجع اروپایی از این مولفه ها تحت عنوان **دانش فرهنگی‌اجتماعی[[18]](#footnote-18)** یاد می کند. ذکر این نکته ضروری است که پس از انتشار این چارچوب مرجع اروپایی تمامی متدها و کتابهای آموزش زبان در اروپا و در دنیا بر اساس استانداردهای موجود در این چارچوب تالیف و تدوین می شوند.

**جدول شماره (1) مولفه های فرهنگی‌اجتماعی چارچوب اروپایی**

|  |  |
| --- | --- |
| مولفه های فرهنگی‌اجتماعی | زیرمجموعه |
| 1. زندگی روزمره
 | خوراکی ها و نوشیدنی هاساعات و وعده های غذاییآداب میز غذا تعطیلات رسمیساعت ها و عادتهای شغلیاوقات فراغت (سرگرمی ها، ورزش ها، سفر و ...) |
| 1. شرایط زندگی
 | سطوح زندگی شرایط محل سکونتپوشش های اجتماعی نظیر بیمه |
| 1. روابط بین فردی
 | ساختار اجتماعی و روابط بین طبقات اجتماعیروابط بین جنسیت های مختلفساختار و روابط خانوادگیروابط بین نسلیروابط شغلیروابط با پلیس، نهادهای رسمی و ...روابط بین جوامع روابط بین گروههای سیاسی و دینی |
| 1. ارزش ها، باورها و رفتارها (در رابطه با: )
 | طبقه اجتماعیگروههای اجتماعی‌کاری (دانشگاهی، اجرایی، کارمندی، صنعتگران و کارگران یدی)پولدرآمد و داراییفرهنگ های بومی و منطقه ایامنیت موسسات و نهادهاسنت و تغییرات تاریخ اقلیت های قومی یا مذهبیهویت ملی\*کشورهای خارجی، دولتها و ملت هاسیاستهنرها (موسیقی، هنرهای بصری، ادبیات، تئاتر وترانه های مردمی)دینلطیفه ها |
| 1. زبان بدن
 | شناخت قراردادهای تعیین کننده رفتارهای مربوط به توانش جامعه شناختی فرهنگی زبان آموز  |
| 1. دانش چگونه زیستن (آداب معاشرت )
 | قراردادهای مربوط به میزبان و مهمان بودن در زمینه:وقت شناسی هدایالباس هانوشیدنی ها و خوراکی هاقراردادها و تابوهای رفتاری و گفتاریمدت زمان دیدارشیوه سلام و خداحافظی کردن |
| 1. رفتارهای آئینی
 | اعمال و مناسک مذهبیولادت، ازدواج و مرگرفتار شنونده و بیننده در یک نمایش جشن ها و جشنواره ها و ... |

همانگونه که در جدول بالا ملاحظه می شود، مولفه های فرهنگی‌اجتماعی در هفت دسته کلی شامل: زندگی روزمره، شرایط زندگی، روابط بین فردی، ارزش ها، باور ها و رفتارها، زبان بدن، دانش چگونه زیستن و رفتارهای آئینی قرار گرفته اند. این هفت دسته کلی خود شامل اجزا و مولفه های دیگری می شوند که در ستون سمت چپ جدول جزء به جزء نشان داده شده است.

**5- نتایج یافته ها**

پس از بررسی تعداد 86 درس ارائه شده در متد اسیمیل آموزش زبان فارسی به فرانسوی زبانان، مصادیق هر یک از مولفه های فرهنگی‌اجتماعی توصیه شده در چارچوب مرجع اروپایی ثبت و پس از آن بسامد هر یک از این مولفه ها در کتاب مورد نظر در قالب جدولی ذکر شده است. جدول زیر تعداد موارد هر یک را با ذکر مثال یا مثالهایی (به همراه شماره صفحات) به تفکیک زیرمجموعه های هر یک از مولفه های فرهنگی‌اجتماعی نشان می دهد:

**جدول شماره (2) مولفه های فرهنگی‌اجتماعی مستخرج شده براساس چارچوب مرجع اروپایی**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **مولفه های فرهنگی‌اجتماعی** | **زیرمجموعه** | **مثال**  | **تعداد****موارد** **مولفه** |
| 1. **زندگی روزمره**
 | خوراکی ها و نوشیدنی هاساعات و وعده های غذاییآداب میز غذا تعطیلات رسمیساعت ها و عادتهای شغلیاوقات فراغت (سرگرمی ها، ورزش ها، سفر و ...) | نان سنگک (24) ،چلوکباب (ص163)صبحانه و اجزای آن (ص 256)ØØهر روز صبح در محل کارش حاضر می شود. (508)اگر آزادی با هم به سینما برویم.(244) | 50 |
| 1. **شرایط زندگی**
 | سطوح زندگی شرایط محل سکونتپوشش های اجتماعی نظیر بیمه | Øخانه مان یک حیاط بزرگ با حوض و گل دارد. (343)Ø | 12 |
| 1. **روابط بین فردی**
 | ساختار اجتماعی و روابط بین طبقات اجتماعیروابط بین جنسیت های مختلفساختار و روابط خانوادگیروابط بین نسلیروابط شغلیروابط با پلیس، نهادهای رسمی و ...روابط بین جوامع روابط بین گرو ههای سیاسی و دینی | مستخدم، رئیس، معاون، کارفرما (508)Øعمو جواد کی آمد؟(126)اگر یک خانم پیر به اتوبوس پر سوار شود باید جای خود را به او داد. (477)آقای کاتبی تشریف دارند؟ آقای رئیس جلسه دارند. (468)سلام سرکار، خیلی ببخشید! (308)ØØ | 77 |
| 1. **ارزش ها، باورها و رفتارها (در رابطه با: )**
 | طبقه اجتماعیگروههای اجتماعی‌کاری (دانشگاهی، اجرایی، کارمندی، صنعتگران و کارگران یدی)پولدرآمد و داراییفرهنگ های بومی و منطقه ایامنیت موسسات و نهادهاسنت و تغییرات تاریخ اقلیت های قومی یا مذهبیهویت ملی\*کشورهای خارجی، دولتها و ملت هاسیاستهنرها (موسیقی، هنرهای بصری، ادبیات، تئاتر وترانه های مردمی)دینلطیفه ها | Øمن (158)، وکیل دادگستری، راننده کامیون (530)اسکناس خرد (500)اگرصرفه جویی کرده و قسطی خریده بودم، تا حالا مالک یک آپارتمان شده بودم. (490)زیارت قبرهای سعدی و حافظ و فال حافظ گرفتن. (434)Øپستخانه (140)، بانک ملی (498)سال نو با عید نوروز شروع می شود. (380)خواستگاری (438) تخت جمشید (205)، میدان کهنه، یادگار دوران سلجوقی (610)Øگذشته ایران، خط و مینیاتور و فرش، شکوه گذشته، سنت های دیرین ایرانی (636)Øرباعی از خیام (533)، آقای صمدی به یاد قهرمانان شاهنامه می افتد. (538)، کنسرت شجریان (546) نگارخانه و نمایشگاه (554)، فیلم جدید عباس کیارستمی (556)Øمداد ملانصرالدین (276) | 104 |
| 1. **زبان بدن**
 | شناخت قراردادهای تعیین کننده رفتارهای مربوط به توانش جامعه شناختی فرهنگی زبان آموز  | Ø | 0 |
| 1. **دانش چگونه زیستن (آداب معاشرت )**
 | قراردادهای مربوط به میزبان و مهمان بودن در زمینه:وقت شناسی هدایالباس هانوشیدنی ها و خوراکی هاقراردادها و تابوهای رفتاری و گفتاریمدت زمان دیدارشیوه سلام و خداحافظی کردن | برای شام دعوت شده اند، باید حدود ساعت هشت شب به منزلشان بروند.سر ساعت هشت زنگ در را زدند. (332)ØØدر ساده ترین پذیرایی که از مهمانها می شود تعارف چای و شیرینی اجباری است. (443)چه منزل قشنگی دارید! (308)Øسلام .بفرمایید تو، نه قربان شما (322) | 35 |
| 1. **رفتارهای آئینی**
 | اعمال و مناسک مذهبیولادت، ازدواج و مرگرفتار شنونده و بیننده در یک نمایش جشن ها و جشنواره ها و ... | آقای صمدی قصد زیارت دارد. (528)من از فرانسه آمدم تا نامزدی را که مادرم برایم پیدا کرده است ببینم. (419)Øیک چادر برای عروسی لازم دارم.(262) | 28 |

همانگونه که در جدول ملاحظه می شود از بین جمعاً 306 مورد مولفه فرهنگی‌اجتماعی استخراج شده از کتاب اسیمیل (آموزش زبان فارسی به فرانسوی زبانان) بیشترین سهم را مولفه شماره 4 یعنی ارزش ها، باورها و رفتارها با 104 مورد به خود اختصاص داده وبه ترتیب بعد از آن مولفه شماره 3 یعنی روابط بین فردی با 77 مورد، مولفه شماره 1 زندگی روزمره با 50 مورد، مولفه شماره 6 دانش چگونه زیستن یا آداب معاشرت با 35 مورد، مولفه شماره 7 یا رفتارهای آئینی با 28 مورد، مولفه شماره 2 یعنی شرایط زندگی با 12 مورد و مولفه شماره 5 زبان بدن بدون ذکر هیچ موردی آخرین رتبه را به خود اختصاص داده است.

 جدول زیر سهم درصدی هریک از مولفه های فرهنگی‌اجتماعی در چارچوب مرجع اروپایی برای کتاب اسیمیل را از بین مجموع 306 مورد به ترتیب از بیشتر به کمتر نشان می دهد:

**جدول شماره (3) درصد مولفه های فرهنگی‌اجتماعی موجود در کتاب اسیمیل**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
|  **مولفه های فرهنگی‌اجتماعی** | **تعداد موارد** | **درصد** |
| ارزش ها، باورها *و* رفتارها | 104 | 33.9% |
| روابط بین فردی | 77 | 25.1% |
| زندگی روزمره | 50 | 16.3% |
| دانش چگونه زیستن | 35 | 11.4% |
| رفتارهای آئینی | 28 | 9.1% |
| شرایط زندگی | 12 | 3.9% |
| زبان بدن | 0 | 0% |

چنانچه ملاحظه می شود بیشترین سهم مولفه های فرهنگی‌اجتماعی را با 33.9% موارد، ارزشها، باورها و رفتارها و کمترین سهم را با 3.9% موارد مولفه شرایط زندگی به خود اختصاص داده است. همچنین مصداقی برای مولفه زبان بدن در کتاب اسیمیل یافت نشد.

**6- بحث و بررسی**

پژوهش حاضر با هدف بررسی مولفه های فرهنگ و هویت ایرانی و چگونگی ارائه آموزش و انتقال این مولفه ها در کتاب آموزش زبان فارسی به فرانسوی زبانان «اسیمیل» براساس چارچوب مرجع اروپایی (2001) انجام پذیرفت. نتایج حاصل از یافته ها نشان داد که این کتاب در مواردی که در جدول 2 ذکر شده، منطبق بر این چارچوب است و می توان گفت که مولفان انتقال مفاهیم و مولفه های فرهنگی و اجتماعی را مدنظر قرار داشته اند و اهمیت رابطه فرهنگ و زبان در این متد نشان داده شده است. همچنین تعداد موارد وجود مولفه های فرهنگی‌اجتماعی نیز نشان داد که از میان هفت مورد موجود در چارچوب مرجع اروپایی، ارزشها، باورها و رفتارها، وجود پررنگ تری نسبت به سایر مولفه ها دارد. در پژوهش حاضر پس از تحلیل داده ها و نتایج حاصل از آنها مشخص شد که به طور کلی فرهنگ به عنوان جزئی از پیکره هویت ایرانی به شیوه های متفاوتی بازنمایی و یا حتی آموزش داده شده است.

بررسی و تحلیل داده ها حاکی از وجود شیوه های مختلفی از بازنمایی فرهنگ ایرانی و مولفه های فرهنگی در این کتاب است. در برخی از درس ها مشاهده می شود که در قالب یک نکته، مسئله فرهنگی مورد نظر را به طور صریح بیان می کند و آموزش می دهد. برای نمونه جمله « اگر یک خانم پیر به اتوبوس پر سوار شود باید جای خود را به او داد». در این کتاب بخوبی بر یکی از آداب های رفتاری در مکان های عمومی تاکید شده است. ارائه چنین نکاتی به شکل صریح منجر به درک بهتر مسائل فرهنگی و بهبود توانش ارتباطی زبان آموز با گویشوران بومی می شود. در این باره رئیسی مبارکه (1395) می نویسد: «هدف آموزش زبان با قابلیت ارتباطی آن، آموزش مهارتهای ارتباطی است، و آموزش فرهنگ از عمده ترین بخش های این آموزش ارتباطی است».

همچنین برخی از درس ها عموما با یک عنوان که حامل یکی از مقولات فرهنگ ایرانی است آغاز می شود و مشاهده می شود که محتوای کلی آن درس بر ارائه فرهنگ رفتاری به همراه توضیحات فرهنگی صریح در زمینه مورد نظر است. وجود عناوین درس هایی نظیر «خواستگاری» و «برنامه فرهنگی» در کتاب اسیمیل نمونه هایی از این درس هاست که به نظر می رسد لزوما با هدف آموزش این موارد فرهنگی تهیه شده اند.

یکی دیگر از مصادیق بازنمایی فرهنگ ایرانی در کتاب اسیمیل، توجه به فرهنگ ادبی در کنار فرهنگ روزمره است. که در قالب ضرب المثل ها، جملات قصار و قطعا شعر از حافظ، سعدی، خیام و ... ارائه می شود. می توان گفت که در چنین مواردی به طور صریح زبان آموز در معرض مولفه های فرهنگی‌اجتماعی در حوزه ارزشها، باورها و رفتار، نظیر ادبیات قرار می گیرد. البته شایان ذکر است که بدین منظور از ضرب المثل ها، جملات و اشعاری استفاده شده که به لحاظ ساختاری و واژگانی دارای کمترین پیچیدگی زبانی باشند. رضوی (1392: 18) تاکید می کند که در تدوین محتوای آموزشی مرتبط با فرهنگ باید از واژگان و بافت زبانی مناسب و قابل فهم برای مخاطب استفاده شود تا پیام راحت تر قابل فهم باشد و انتقال یابد.

در موارد بسیاری دیده شده است که به ویژه در حین آموزش دستور و واژه، بدون هیچ پیش زمینه یا توضیح فرهنگی، از واژگانی که حامل فرهنگ (به تعبیر گلیسون (1991)) هستند استفاده می شود. برای مثال در کتاب اسیمیل استفاده از کلمه «زیارت»، اشاره به بناهای تاریخی برای آموزش فعل رفتن (ما فردا به تخت جمشید می رویم) نمونه هایی از این دسته هستند. در برخی موارد بنظر می رسد علت بکارگیری چنین واژگانی شناخته شده بودن آن توسط غیرفارسی زبانان باشد و یا ممکن است به علت پیچیدگی مفهومی آن، این واژگان مسکوت گذاشته شده اند. با این حال از نظر گلیسون (همان) نقش چنین واژگانی در شناخت زبان مقصد بسیار مهم است.

بررسی ها نشان داد که در برخی موارد یک درس به صورت کامل به یک فرهنگ رفتاری خاص ایرانی اختصاص یافته اما درون درس هیچ توضیح صریح مستقیمی پیرامون آن رفتار یا مسئله فرهنگی داده نشده است. به نوعی می توان گفت که در چنین مواردی هدف اصلی موضوع فرهنگی مورد نظر نیست بلکه آموزش واژگان مرتبط با آن یا ساختار دستوری خاصی است. برای نمونه در درسی تحت عنوان «پلیس راهنمایی رانندگی» لزوما به مناسبات بین پلیس به عنوان یک نهاد و شهروند پرداخته نشده است بلکه هدف از این درس تنها آموزش آدرس و ساختارها و واژگان مرتب با آن است.

همچنین در جای جای کتاب و در تمامی درس ها واژگان و عبارات اصطلاحی ناظر بر تعارفات ایرانی به چشم میخورد بدون آنکه توضیحی پیرامون معنی آنها و یا موارد استفاده از آنها بیان شده باشد، عباراتی نظیر «منزل خودتان است» و «چشمتان زیبا می بیند». ذکر این نکته در این باره ضروری است که البته اگرچه بسامد تعارفات و اصطلاحات ناظر بر آن در کتاب اسیمیل بسیار است اما شیوه ارائه آنها به گونه ای نیست که رنگ و بوی تمسخر و یا کسالت بار بودن را به مخاطب القا کند بلکه «بیشتر به منظور ادای احترام به مخاطب به کار می رود». (دانشگر: 1381) موارد مختلفی نیز از تعابیر ناظر بر چانه زنی در فرهنگ خرید ایرانی مشاهده شده است. دومورد ذکر شده به این دلیل که مختص فرهنگ ایرانی هستند در اکثریت موارد ذیل هیچ یک از مولفه های فرهنگی‌اجتماعی قرار نمی گیرند.

نکتهشایان توجه دیگر در بررسی دروس این کتاب استفاده از تصاویر و نشانها (لوگو) در مواردی انگشت شمار است که حاوی عناصر فرهنگی هستند. استفاده از نشان تخت جمشید، وجود تصاویر مسجد و گلدسته در نقاشی ها، وجود حجاب برای زنان در تصاویر مربوط به مکالمه ها نمونه هایی از این بازنمایی فرهنگی است.

**7- نتیجه گیری**

پژوهش حاضر نشان داد که در کتاب اسیمیل در وهله نخست بر ارائه و آموزش زبان، واژگان و ساختارهای زبانی تمرکز شده و در عین حال مقولات فرهنگی نیز فراموش نشده و از خلال این موارد به برخی مولفه های فرهنگی نیز پرداخته شده است. همچنین بررسی ها در این کتاب نشان داد که سیر ارائه و آموزش مولفه های فرهنگی‌اجتماعی به لحاظ ساختاری و زبانی از ساده به پیچیده بوده است. بدین صورت که در ارائه مصادیق فرهنگ و هویت، زبان آموز ابتدا از واژه (واژه های حامل فرهنگ) سپس به جمله، سپس به ترکیبات اصطلاحی، ضرب المثل ها و در نهایت به زبان ادبی در قالب شعر و جملات قصار سوق داده شده است.

همچنین نتایج حاکی از آن است که بازنمایی فرهنگ و هویت ایرانی از خلال این مولفه های فرهنگی به دو صورت صریح و ضمنی بوده است؛ در مواردی مشاهده شد که مصادیق صراحتا در قالب ارائه نکته هایی حاوی بایدها و نبایدهای فرهنگی، جملات قصار، ضرب المثل ها و ... ارائه شده است. مواردی نیز وجود داشت که به مولفه های فرهنگی به صورت ضمنی بدون آموزش مستقیم از خلال تصاویر، نشان ها، واژگان حامل فرهنگ و ... اشاره شده است. می توان گفت که این کتاب در بیشتر موارد استانداردهای چارچوب اروپایی در زمینه فرهنگ را نسبتاً رعایت کرده است. همچنین در این کتاب به آن دسته از مولفه های فرهنگی خاص ایرانی نیز پرداخته شده که در چارچوب مرجع اروپایی به آنها هیچ اشاره ای نشده است. اما همچنان در این کتاب خلاء آموزش فرهنگ روزمره احساس می شود. ملاحظه شد که نقش مولفه های مربوط به فرهنگ روزمره در این کتاب کمرنگ است. با توجه به اهمیت توانش ارتباطی در آموزش زبان پرداختن کتابهای آموزش زبان فارسی به مقوله فرهنگ روزمره ضرورت دارد چرا که درک بهتر فرهنگ روزمره گویشوران زبان مقصد از سوی زبان آموز منجر به ارتباط بهتر وی با آنها در محیط واقعی می گردد.

نکته حائز اهمیت و پایانی این پژوهش آن است که به تجربه ثابت شده است که اکثر فرانسویانی که برای نخستین بار به ایران سفر می کنند اعم از کسانی که زبان را از خلال متدهایی نظیر اسیمیل آموخته و یا نیاموخته اند، هنگام مواجهه با فرهنگ و هویت ایرانیان متوجه تفاوتهای جدی میان تصورشان از ایران و فرهنگ و هویت واقعی ایرانیان می شوند. این امر می تواند در نتیجه ناکافی بودن آموزش فرهنگ و هویت ایرانی در این متدها و یا در اثر شیوه بازنمایی فرهنگ ایرانی در رسانه های آنها باشد.

**منابع و مآخذ**

برقعی، م. و نگینی، ح (1400)، بازتاب وجوه فرهنگ ایرانی در مابع اموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان (مطالعه موردی مجموعه های: پرفا، مینا و فارسی بیاموزیم.)، دوفصلنامه تاریخ ادبیات، شماره 88، دوره 14، 84-61 .

توسلی، غ (1386)،جستارهایی در جامعه شناسی معاصر، تهران، شرکت حکایت قلم نوین.

حقانی، ن و نژاد معصوم، م (1385)، [آموزش زبان و مقوله ی فرهنگ در بستر کلاسیک و دیجیتال](http://ensani.ir/fa/article/102684/%D8%A2%D9%85%D9%88%D8%B2%D8%B4-%D8%B2%D8%A8%D8%A7%D9%86-%D9%88-%D9%85%D9%82%D9%88%D9%84%D9%87-%DB%8C-%D9%81%D8%B1%D9%87%D9%86%DA%AF-%D8%AF%D8%B1-%D8%A8%D8%B3%D8%AA%D8%B1-%DA%A9%D9%84%D8%A7%D8%B3%DB%8C%DA%A9-%D9%88-%D8%AF%DB%8C%D8%AC%DB%8C%D8%AA%D8%A7%D9%84)، [رشد آموزش زبان](http://ensani.ir/fa/article/journal-number/16085/%D8%B1%D8%B4%D8%AF-%D8%A2%D9%85%D9%88%D8%B2%D8%B4-%D8%B2%D8%A8%D8%A7%D9%86-1385-%D8%B4%D9%85%D8%A7%D8%B1%D9%87-80)، شماره 80.

دانشگر، م (1381)، تعارف و فرهنگ آن نزد ایرانیان، نامه پارسی، ش 25، 72-57.

رضوی، ع. (1392) تاملی بر مناسبت فرهنگ، زبان و آموزش زبان، مجله مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال نهم، شماره 30، 203-147.

رئیسی مبارکه، ن. (1395)، چهره فرهنگ و خلقیات ایرانی در کتابهای آموزش زبان فارسی به انگلیسی زبانان، مجله مطالعات آموزش زبان فارسی، شماره سوم، سال دوم، 104-83 .

سبکتکین، ق و خسروجردی، ز (1392)، شماره 30، سال نهم. 73-57 .

سیاوشی، س (1390)، اهمیت و چگونگی آهموزش نکات فرهنگی در کلاس آموزش زبان فارسی، مخستین همایش بین المللی گسترش زبان و ادبیات فارسی، چشم اناز، راهکارها و موانع، 126-125.

صفارمقدم، ا. و رستم بیک تفرشی، آ (1393)، آزوفا سینمایی: کاربرد فیلم سینمایی در آموزش زبان و فرهنگ ایران به غیرفارسیی زبانان، زبان شناخت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره دوم، سال پنجم، 102-79 .

فروزش، س و برزگر، م، (1399)، حماسه ایرانی در فرانسه، پژوهش نامه ادب حماسی، شماره یکم، دوره 29، 100-75.

کرمش، ک. و معینی میبدی، م (1400)، بازنگری به مبحث زبان و فرهنگ در آموزش زبان انگلیسی، پژوهش های زبانشناختی در زبانهای خارجی، شماره دوم، دوره 11، 173-153 .

کوتلاکی، ک. و سعیدی، ز (1395)، ابعاد چندعملکردی آموزش فرهنگ: راهکار عملی و مدل آموزش زبان از منظر منظورشناسی و علم شناخت انسان، فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، شماره یکم، دوره نهم، 48-25.

میردهقان، م. و طاهرلو، ف (1390)، تاثیر فرهنگ ایرانی در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان، ادبیات معاصر، شماره 2، 132-115.

Bauer, O, (1987), Questions des nationalités et la social-démocratie, Paris, Arcantère.

Beacco, J. C. (2000), Les dimension culturelles des enseignements de langue, Paris, Hachette.

Cadre Europeen Commun de Référance pour les langues, (2001), Conseil de L’europe, Paris, Didier.

Fishman, J., & Gertner, M. H. (1992). The Rise and Fall of the Ethnic Revival: Perspectives on Language and Ethnicity. Amsterdam, Mouton Publishers

Galisson, R & Puren, C (1999), La formation en questions, Paris, CLE international.

Galisson, R (1991), De la langue à la culture par les mots, Paris, CLE international.

Halbout, D & Karimi, M. H, (2003), Assimil Le Persan, France.

Lallement, B & Pierret, N (2007), L’essentiel du CECR pour les langues, Paris, CLE international.

Nostrand, H. (1966). Describing and teaching the socio-cultural context of a foreign language and literature. in A. Valdman (ed.). Trends in language teaching (1-25). New York: McGraw-Hill.

Richards, J. et al. (1992). Language Teaching and Applied Linguistics (Second 31 Edition). Longman: London.

1. rfahandejsaadi@yahoo.fr [↑](#footnote-ref-1)
2. S.sadidi@yahoo.com [↑](#footnote-ref-2)
3. Assimil [↑](#footnote-ref-3)
4. Cadre Européen Commun de Référance pour les langues [↑](#footnote-ref-4)
5. Socioculturel [↑](#footnote-ref-5)
6. Bauer [↑](#footnote-ref-6)
7. Richards [↑](#footnote-ref-7)
8. Galisson [↑](#footnote-ref-8)
9. Nostrand [↑](#footnote-ref-9)
10. Sociolinguistique [↑](#footnote-ref-10)
11. Fishman& Gertner [↑](#footnote-ref-11)
12. Compétance interculturelle [↑](#footnote-ref-12)
13. Compétance comunicative [↑](#footnote-ref-13)
14. Lallement & Pierret [↑](#footnote-ref-14)
15. Galisson, R & Puren [↑](#footnote-ref-15)
16. Culture courante [↑](#footnote-ref-16)
17. Culture savante [↑](#footnote-ref-17)
18. Savoir socioculturel [↑](#footnote-ref-18)